

شن روان

زنده: استیو تولتز

مترجم: عبدالله حمیدی



سرشناسه: تولتز، استیو، ۱۹۷۲ - م.
Toltz, Steve.

عنوان و نام پدیدآور: شن روان / نویسنده استیو تولتز؛ ترجمه عبدالله جمنی.
مشخصات نشر: تهران: نوای مکتوب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۴۷۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۶۷-۰-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: عنوان اصلی: Quicksand.

موضوع: داستان‌های استرالیایی — قرن ۲۱ م.
موضوع: ۲۱st century — Australian fiction

شماره افزوده: جمنی، عبدالله، ۱۳۶۳ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۹۶۱۹/PR۹۵۴/۱۳۹۵۴ ش ۹/ت ۹

رده‌بندی دیوید: ۹۲/۸۲۳۰
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۳۰۱۷۱

نام کتاب: شن روان

نویسنده: استیو تولتز

مترجم: عبدالله جمنی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۶۷-۰-۶

صفحه‌آرایی: تحریریه مکتوب

طراح جلد: پیمان صفائی تهرانی

ناظر فنی: سید محمد بنی هاشمی خامنه



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

اگر فاتحان ساریدگان تاریخنند، شکست خوردگان خالقان هنرنند. الهه‌ای برای شکست نیست. در روح انسان شکست خورده، فلسفه‌ای در پیروزی نیست چون سوالی نمی‌پرسد، شکست اما چشمه جوشان سوال و فلسفه است. هنر و فلسفه اگر نگوییم یک منشأ مشترک، شک مرز مشخصی بین شان نیست، شاید چون منشأ الهام هر دو یکی است؛ انداز شکست خورده. همه روزی شروع به شکست خوردن می‌کنیم و روزی آن را ترک می‌کنیم؛ همه جز آلدو فرانسیس بنجامین؛ مفلوک متروک ابدی.

کتاب پیش‌رو، دومین کتاب استیو تولتر، بود. من دستایش شده جزء از کل و نامزد جایزه بوکر سال ۲۰۰۸ است. داستان در ره دو دوست قدیمی، لیام وایلدر و آلدو بنجامین است که از دوره دبیرستان یکدیگر را می‌شناختند. لیام یک نویسنده ناموفق و سرخورده است که وارد نیروی پلیس شد و آلدو یک کارآفرین همیشه ناکام و ورشکسته است که در مصیبت‌های دما مشغول طوطی‌ور است. داستان با آزادی مشروط آلدو افلیج و لیامی که تصمیم به نوشتن رمانی درباره او دارد، آغاز می‌شود. تولتر با همان زبان کم‌دی تلخ و تاریک کتاب قبلی خود اما با پیچیدگی‌های فلسفی و روانشناختی بیشتر به روایت داستان، اغلب از زبان لیام، می‌پردازد. هر دو دوست، در نوجوانی تراژدی مرگ خواهرهایشان را پشت سر گذاشته‌اند. لیام به دنبال نوشتن داستانی درباره خواهرش که توسط یک افسر پلیس زیر گرفته شده و به قتل رسیده، در نیروی پلیس ثبت‌نام می‌کند و با

آلدو اما در فرار از شکست و حتی در خودکشی‌های متعددش هم شکست می‌خورد و گرفتار شن‌روان بدشانسی‌هایش است...

هر رمانی که می‌خوانیم، هر اندازه هم که خیال‌پردازانه باشد، انعکاس نه فقط افکار نویسنده که زندگی شخصی اوست و چه رمانی شخصی‌تر از شن‌روان استیو تولتز که یک شخصیت اصلی داستان نویسنده است و دیگری یک افلیج فیلسوف مآب (استیو تولتز در دوره‌ای که مشغول نگارش رمان اولش بود به دلیل عارضه‌ای در ستون فقراتش فلج می‌شود طوری که پزشکان از راه رفتن دوباره او قطع امید می‌کنند، گرچه پس از ماه‌ها بیمارستان‌نشینی بهبودی‌اش را باز می‌یابد). در جای جای آن از نویسندگی و هنر و خلاقیت سخن می‌رود. گویی تولتز برون‌گرا در درون‌گرا در دو قالب جداگانه ریخته و توصیف کند. پیدا کردن ویلیام وایدرها در میان‌مان دشوار نیست اما آلدو بنجامین جز در درون‌مان یافت نمی‌شود. تک‌گویی‌های دیوانه‌وار و سرسام‌آور آلدو از آن دست حرف‌هاست که شنونده‌ای جز نه‌مان ندارد و با صدای بلند پیش کسی ادا نمی‌کنیم. چه چیزی ترسناک‌تر از خرد ترس است. آدمی در تلاش برای پنهان کردن خود از ترس‌های بی‌شمارش چها کند؟ کجاها که نمی‌رود. چه‌ها که آرزو نمی‌کند. حتی آرزوی مرگ. کتاب به جوی درونی‌ترین لایه‌های ذهن آدمی است. جمله جمله تا اعماق. تا جایی که بشود پایین رفت. تا جایی که نفس یاری کند. تا جایی که بشود برگشت. و تا جایی که بشود نوشت.

با توجه به استفاده گسترده نویسنده از اصطلاحات تخصصی رشته‌های مختلف، سعی کرده‌ام با پاورقی‌های متعدد خواننده را در حراندن داستان یاری کنم. بی‌شک در کتابی با چنین پیچ و تاب و اطناب، اشتباهات ترجمه ناگزیر است با این وجود امیدوارم این تلاش مورد رضایت خوانندگان قرار بگیرد.

عبداله جمینی

تقدیم به همسر مهربانم ژیک.